

ویژه میلاد امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

نام: حسن علیه السلام

لقب: مجتبی

کنیه: ابو محمد

نام پدر: علی بن ابیطالب علیه السلام

نام مادر: فاطمه

تاریخ ولادت: شب سه شنبه، ۱۵ رمضان سال سوم هجری - مدینه.

مدت امامت: ده سال

تاریخ شهادت: ۲۸ صفر، سال ۵۰ هجری - مدینه (در سن ۴۸ سالگی)

قاتل: جعدہ « ملعون » (همسر ایشان)

محل دفن: قبرستان بقیع - مدینه

امام حسن علیه السلام از جهت منظر و اخلاق و پیکر و بزرگواری، به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

بسیار مانند بود.

ایشان بیشتر از هفت سال با رسول خدا زندگی نکرد؛ ولی در همین مدت به شدت مورد عنایت آن حضرت بود و استفاده‌های علمی و تربیتی فراوانی برد. محبت رسول خدا به او بسیار فراوان بوده و آن حضرت، گاهی نوه‌اش را در کارهای بزرگی همانند بیعت رضوان و مباحله با نزاریان نجران هم شرکت می‌داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره او تعریف و تمجیدهای فراوانی نموده که امام بعدها به مناسبت‌های مختلف، از آنها برای معرفی شخصیت الهی خویش استفاده می‌جست.

امام حسن علیه السلام با مادر خود، فاطمه‌ی اطهر علیها السلام، رابطه‌ای عمیق و متعالی داشت. فاطمه صدیقه علیها السلام گاه با فرزندش بازی‌های کودکانه می‌کرد و گاه با ملاحظت مادرانه او را به عبادات مستحب تشویق می‌نمود. حسن نیز گزارش سخنان رسول خدا را پیش از هر کس، از مسجد به مادر می‌رساند و گاه در عبادت مادر دقت می‌کرد و از آن درس‌ها می‌گرفت.

حضرت مجتبی علیه السلام بارزترین مصداق آیه شریفه ذیل بود:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ آنانی که اموال خود را شب و روز، پنهانی
و آشکارا انفاق می‌کنند، مزدشان در نزد پروردگارشان خواهد بود، نه ترسی و
نه غم و اندوهی بر دل آنها راه پیدا خواهد کرد.

در احسان و انفاق در راه خدا قدمی برداشت که منحصر به فرد و از فضایل اختصاصی اوست و آن اینکه دو بار همه دارایی خویش و سه بار نصف مال خود را در راه خدا انفاق و احسان نمود. این مطلب مورد تصدیق همه بوده و شیعه و اهل سنت آن را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.

از امام مجتبی علیه السلام پرسیدند: چگونه است هر سائلی که بر در خانه شما می‌آید، ناامیدش بر نمی‌گردانید؟ حضرت فرمود: من هم نیازمند و محتاجی هستم به درگاه خداوند متعال که دوست ندارم او مرا دست خالی برگرداند، خداوندی که نعمت‌هایش را بر ما ارزانی داشته، هرگز نمی‌خواهد بندگان را محروم کنم. می‌ترسم اگر سائلی را رد کنم، او هم مرا دست خالی برگرداند.

دربارهٔ حلم و بزرگواری امام مجتبی علیه السلام آمده است که یک نفر از اهل شام وارد مدینه شد. حضرت مجتبی علیه السلام را دید که بر مرکبی سوار است و چون تحت تأثیر تلقینات شوم بنی‌امیه قرار گرفته بود، شروع به ناسزاگفتن کرد. او تندتند اسائه ادب می‌کرد، امام علیه السلام هم چیزی نمی‌گفت تا وقتی که مرد شامی آرام شد.

حضرت مجتبی علیه السلام که درد او را می‌دانست، بر او سلام کرد و خندید و فرمود: یا شیخ! گمان می‌کنم غریب هستی، شاید امر بر تو مشتبه شده است. اگر بخواهی گذشت کنیم، از تو گذشت می‌کنیم. اگر از ما چیزی بخواهی، به تو می‌دهیم. اگر راهنمایی بخواهی، راهنمایی‌ات می‌کنیم. اگر از ما مرکبی بخواهی، برای تو مرکب می‌دهیم. اگر گرسنه باشی، سیرت می‌گردانیم. اگر عریان باشی، لباس می‌دهیم. اگر محتاج باشی، بی‌نیازت می‌کنیم و اگر حاجتی داشته باشی، آن را بر می‌آوریم و تا در مدینه هستی، اگر در خانه ما مهمان باشی، برای تو بهتر خواهد بود؛ چون منزل ما وسیع و امکانات ما بسیار و موقعیت ما گسترده است. مرد شامی از شنیدن این سخنان به گریه افتاد و گفت: گواهی می‌دهم که تو خلیفه خدا در روی زمین هستی. خدا داناتر است که رسالت خود را در کجا قرار دهد. تو و پدرت مغضوب‌ترین خلق در نزد من بودید؛ ولی اکنون محبوب‌ترین خلق خدا در نزد من هستید. سپس آن مرد وسایل خویش را به خانه حضرت آورد و تا در مدینه بود، میهمان آن حضرت بود و بر محبت اهل بیت معتقد شد.^۱

۱. مناقب آل ابیطالب؛ ج ۴، ص ۱۹؛ فصل مکارم اخلاق امام حسن علیه السلام.